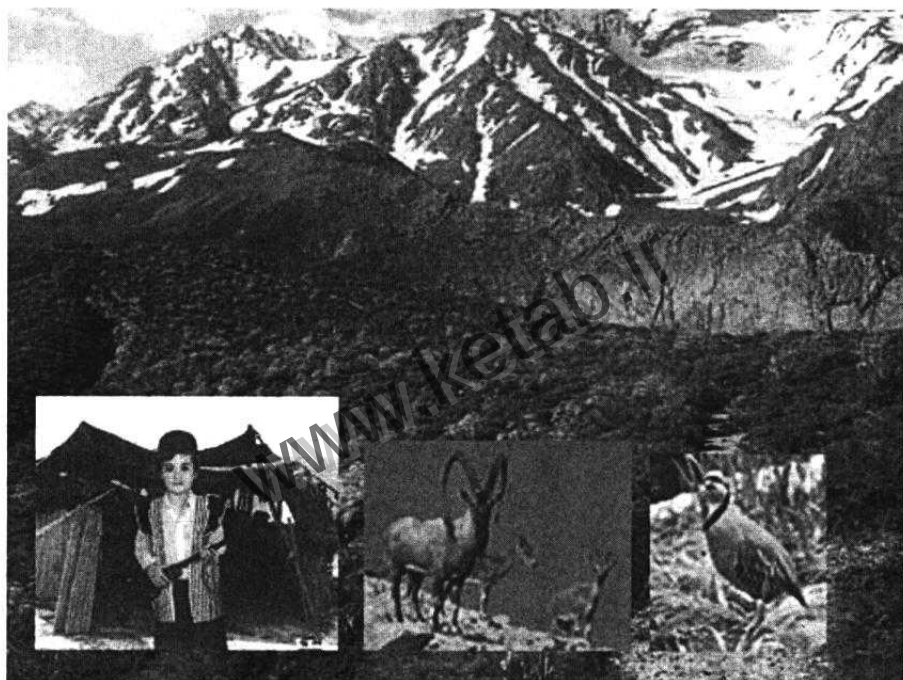


نگاهی به تاریخ بختیاری از عهد ایلامیان تا عهد پهلوی



گردآورنده: علی دادیوسفی آوروَند

ویراستار و صفحه‌آرا: بهرام یوسفی آوروَند

طراح جلد: حمید یوسفی آوروَند

سرشناسه	:	یوسفی آورو، علی داد، ۱۳۳۹-
عنوان و نام پدیدآور	:	نگاهی به تاریخ بختیاری از عهد ایلامیان تا عهد پهلوی / گردآورنده علی داد یوسفی آورو؛ ویراستار و صفحه‌آرا بهرام یوسفی آورو.
مشخصات نشر	:	گرگان: انتشارات نوروزی، ۱۴۰۱.
مشخصات ظاهری	:	۲۸۶ ص: مصور.
شابک	:	978-622-02-2604-8
وضعیت فهرست نویسی	:	فیپا
موضوع	:	بختیاری (خاندان)
موضوع	:	بختیاری -- تاریخ Bakhtiari (Iranian people) -- History بختیاری -- سرگذشتنامه Bakhtiari (Iranian people) -- Biography
رده بندی کنگره	:	۷۲DSR
رده بندی دیویی	:	۹۷۴/۹۵۵
شماره کتابشناسی ملی	:	۹۰۹۷۳۵۶
اطلاعات رکورد کتابشناسی	:	فیپا

نگاهی به تاریخ بختیاری از عهد ایلامیان تا عهد پهلوی

گردآورنده : علی داد یوسفی آورو

ویراستار و صفحه‌آرا : بهرام یوسفی آورو

طراح جلد: حمید یوسفی آورو

نوبت چاپ : اول - ۱۴۰۲

مشخصات ظاهری : ۲۸۶ ص

قطع: وزیری

شمارگان: ۱۰۰۰

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۰۲-۲۶۰۴-۸

قیمت: ۱۶۰۰۰۰ تومان

چاپ و نشر: نوروزی-۰۱۷۳۲۲۴۲۲۵۸

حق چاپ برای نویسنده محفوظ می باشد.



گلستان، گرگان، خیابان شهید بهشتی، پاساژ رضا، کدپستی ۴۹۱۶۶۵۷۳۷۶

Instagram: entesharatnorouzi

Phone: ۰۱۷-۳۲۲۴۲۲۵۸-۰۹۱۱۳۷۱۹۱۱۵

Website: www.entesharate-norouzi.com

Email: entesharate.norouzi@Gmail.com

فهرست مطالب

۷.....	مقدمه
۹.....	پیش گفتار:
۱۳.....	فصل اول:
۱۳.....	الف- شکل گیری اقوام ساکن در مناطق لرنشین قبل از اسلام (باستان)
۱۶.....	ب- نام اقوام ساکن مناطق لرنشین بعد از اسلام
۲۰.....	اتابکان لر بزرگ
۲۷.....	اشاره‌ای به لر کوچک:
۳۲.....	واژه بختیاری یا ایل بختیاری و مناطق بختیاری نشین
۳۴.....	تقسیم بندی ایل بختیاری به دو شاخه چهارلنگ و هفت لنگ :
۳۷.....	مختصر اطلاعاتی در مورد چهارمحال:
۴۱.....	نقشه مناطق چهارمحال و مناطق بختیاری نشین
۴۳.....	فصل دوم :
۴۳.....	تقسیم بندی و نامگذاری ایل بختیاری
۴۳.....	شاخه هفت لنگ :
۴۳.....	در مورد نام نامگذاری دورکی و طوایف آن :
۴۴.....	طایفه آسترکی (استروکاییان) :
۵۱.....	طایفه زراسوند:
۵۹.....	داستان شوهر کردن بی بی ستاره دختر کلبعلی خان دورکی به جعفرقلی خان بهداروند
۷۲.....	جریان کشته شدن اعلی داد:
۷۸.....	شجره نامه خانواده حیدر
۷۹.....	خلاصه ای از زندگی نامه حسین قلی خان ایلخانی و رمز پیشرفت او
۸۷.....	قبرستان تخت فولاد:
۱۱۴.....	ابراهیم خان (ضرغام السلطنه) و پسرش ابوالقاسم خان :
۱۴۱.....	جنگ دره رازو کشته شدن محمودخان درمیزدج :
۱۴۲.....	جنگ اندیکا :
۱۴۴.....	نامدارخان منجزی:

۱۵۰.....	طایفه بابادی (بابادی باب):
۱۸۱.....	فصل سوم :
۱۸۱.....	طوایف چهارلنگ
۱۸۱.....	شجره خوانین طایفه مم صالح
۱۹۵.....	طایفه میمیوند(میوند) :
۱۹۹.....	شجره خوانین موگویی چهارلنگ
۱۹۹.....	طایفه زلکی (زلقی) :
۲۰۴.....	طایفه کیانرسی (کیان ارثی) چهارلنگ:
۲۲۳.....	شاخه حسن خانی از طایفه کیانرسی چهارلنگ:
۲۲۵.....	طایفه سهونی (سه حونی) :
۲۳۶.....	طایفه کُرای :
۲۴۱.....	هفتکل (دشت طوف سفید) :
۲۴۵.....	فصل چهارم :
۲۴۵.....	اقوامی که شاخه‌ای از آنها وارد ایل بختیاری شدند
۲۵۱.....	نقش بختیاران در فتح قندهار :
۲۵۲.....	فتح هند(جنگ کرنال) :
۲۵۴.....	نقش بختیاری‌ها در انقلاب مشروطه و حوادث بعد از آن:
۲۷۱.....	فصل پنجم :
۲۷۱.....	شاخه‌هایی که از ایل قشقایی وارد ایل بختیاری شدند
۲۷۴.....	طایفه افشار :
۲۷۶.....	جشن نوروز:
۲۸۱.....	بردنشاندن:
۲۸۲.....	قلعه بردی:
۲۸۵.....	منابع :

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ

ای مردم ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و ملت‌ها را تیره تیره و قبیله‌ای قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید بی‌تردید گرمی‌ترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست یقیناً خدا دانا و آگاه است.
آیه ۱۲ سوره حجرات

مقدمه

مَنْتِ خدای را که عنایت فرمود تا پس از مطالعه و تحقیق در میان کتب نوشته شده تاریخ بختیاری اثر حاضر را آماده نمایم و در اختیار علاقمندان تاریخ بختیاری قرار دهم. امید است این نوشتار (تاریخ بختیاری) بتواند روشنگر گوشه‌هایی از زندگی سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و خصلت سلحشوری و اصالت‌مندی این قوم صاحب‌نام را بازگو کند. این کوشش خالی از عیب و ایراد نیست اما امید است اگر عمری باقی ماند با همت و راهنمایی‌های شما خوانندگان و سروران عزیز در جلد دوم کتاب اطلاعات بیشتر و رفع کاستی‌های کتاب حاضر را به نگارش درآورم. از آنجایی که ماسال دقیق پیدایش جهان هستی و حتی کره زمین رانمی دانیم اما از نظر علمی ثابت شده که انسان میلیون‌ها سال قبل روی زمین وجود داشته چنانکه بقایای فسیل شده اسکلت انسان که در کاوش‌های زمین‌شناسی پیدا شده این را نشان می‌دهد. به قول هگل اگر تاریخ صد میلیون سال یا حتی به گفته برخی از مکتشفین چهار میلیارد سال هم باشد باز تفاوتی با ۱۵ تا ۲۰ هزار سال پیش ندارد چون به هیچ‌کدام دسترسی نیست.

دانستن تاریخ نه تنها برای تیره و گروهی خاص مانند محققان و پژوهشگران مفید است بلکه برای هر فردی دانستن و آموختن آن شایسته است. بزرگان، علم گذشته را چراغ راه آینده دانسته‌اند. روزگاری انسان‌ها به صورتی بسیار ابتدایی می‌زیستند. هنوز نه ابزاری ساخته شده بود، نه حیوانی اهلی شده بود نه آتش و فلزات کشف شده بودند و نه دهکده‌ها و شهرها پدید آمده بودند نه خط اختراع شده بود تا از این طریق تجربه‌های نسل‌های پی‌درپی اندوخته شود و به نسل‌های بعد منتقل گردد. با گذشت زمان بر تجربیات انسان افزوده شد و بتدریج توانست ابزار بسازد، خانه بسازد، وسایل حمل و نقل تهیه کند و روز به روز بر طبیعت تسلط بیشتری پیدا کند. کم‌کم شهرها به وجود آمدند دولت‌ها تشکیل گردیدند. پیامبرانی برای هدایت انسان‌ها مبعوث شدند. و هر کشوری یا منطقه‌ای جامعه آن وارد مرحله‌ی تاریخی گردید. تاریخ سرگذشت گذشتگان آینه‌ی آیندگان است. با مطالعه تاریخ می‌توان پی برد که چه حوادثی در ارتقاء یا تحلیل قومی تاثیر گذار بوده. نتیجه‌ای بجز مطالعه و تحقیق در متون تاریخ میسر نیست. تاریخ از زمانی آغاز

می‌شود که شهادت‌های کتبی و تاریخی راجع به وقایع و حوادث آن زمان بدست آمده باشد. حال این تواریخ بر مبنای چه گذاشته شده‌اند؟ مهمترین مبداهای تقویم در جهان

۱- مبدأ دینی: این مبدأ در میان بسیاری از مردم و ملت‌های جهان پذیرفته شده و عمومیت دارد. مانند تقویم هجری قمری. که مبدأ آن هجرت حضرت محمد(ص) پیامبر از مکه به مدینه است و یا تقویم میلادی که تولد حضرت مسیح(ع) مبدأ آن قرار گرفته است. یونانیان، رومیان، سریانی و قبطیان برای اینکه حسابشان کامل آید و کسور داخل هر سال نشود سال را ۳۶۵ روز حساب می‌کردند تا سه سال در سال چهارم که از کسور تقریباً یک روز حاصل می‌شد آن سال ۳۶۶ روز قرار می‌دادند و این عمل به عربی کیسه یعنی انباشته می‌گویند. ۱۴۴۳ هجری قمری --- ۲۰۲۲ میلادی - ۱۴۰۰ شمسی(خورشیدی).

۲- مبدأ ملی و قومی: برخی از ملت‌ها وقایع و حوادث خاص ملی و یا قومی خود را بعنوان مبدأ تقویم خود انتخاب کرده‌اند.

اما پیشینه تقویم در ایران، به قبل از دوره هخامنشیان بازمی‌گردد. در دوره هخامنشیان گاه‌شماری شمسی قمری رایج بود. در عهد حکومت داریوش اول گاه‌شماری اوستایی به جای آن رایج شد که در تقویم اوستایی سال ۳۶۵ شبانه‌روز بود هر سال ۱۲ ماه سی روزه و پنج روز که بعنوان پنجه به آخر سال اضافه می‌کردند رایج بود. این تاریخ‌گذاری‌ها قبل از مشخص شدن تاریخ میلادی و هجری قمری یا اوستایی از کتیبه‌ها و نوشته‌های پیامبران و فرماندهان حکومتی اقتباس شده که بعد با این تاریخ‌های (میلادی - هجری قمری) مقایسه و زمان‌بندی و نامگذاری شده‌اند. در ایران تا قبل از تاج‌گذاری رضاشاه تقویم قمری رایج بود و از آن پس تقویم شمسی رایج گردید. ملتی که از تاریخ خود و نیاکانش اطلاع نداشته باشد، هویت و حریت خود را از دست خواهند داد. در جدول زیر ماه‌های هر سال (شمسی، قمری و میلادی) به ترتیب نوشته شده‌اند که ماه اول سال شمسی برابر است با ماه اول فصل بهار فروردین. ماه اول سال میلادی برابر است با ماه دی شمسی و ماه محرم اول سال قمری که متغیر است.